

آغاز شمارش معکوس؛ اوج اقتدار ایران و حضيض ذلت دشمنان

آغاز شمارش معکوس؛ اوج اقتدار ایران و حضيض ذلت دشمنان

سید عیسی حسینی مزاری

در آستانه سی و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مطالعه اوضاع داخلی ایران و شرایط جهانی نشان می‌دهد که برخلاف هیاهو ها و صحنه سازی های دشمنان، حرکت جمهوری اسلامی ایران روبه پیشرفت و در حال پیمودن قله های ترقی و تعالی و رسیدن به اوج اقتدار در عرصه های مختلف است و دشمنان آن، سیر نزولی در پیش گرفته، می روند تا در حضيض ذلت قرار بگیرند.

البته دشمنان آرام نیستند و نمی گذارند تا این واقعیت برای عموم مردم چهره بنمایاند و این اعتقاد در میان توده ها هویدا گردد که ایران اسلامی، در اثر مجاهدت رهبری و مردم آن، می رود تا نتایج دسترنج ملت خود را برداشت نموده، به عنوان یک قدرت مطرح جهانی عرض اندام نماید، و لذا تمام تلاش خود را برای وارونه نسان دادن اوضاع در ایران به کار گرفته است.

آنچه که دشمن به دنبال آن است این است که این تصور را در اذهان عمومی جهان ایجاد نماید که

فشارهاي متعدد عليه جمهوري اسلامي ايران، به مراتب از هر زمان ديگري، بيشتر گرديده و بر اثر تداوم آن، نظام جمهوري اسلامي ايران، رو به ضعف نهاده و درنتيجه، اين احتمال را قوت مي بخشد که یک حمله سهمگين و خشونت بار از بيرون و برخي تنشها و نابسامانيها از داخل، مي تواند کاراين نظام را يکسره نمايد.

اين ذهنيت به خصوص براي کساني ايجاد مي شود که يا عمر آنان کفاف آن را نمي دهد که به گذشته برگردند و حوادث ايجاد شده داخلي و بين المللي مرتبط با ايران اسلامي را به بررسي بنشينند و يا اينکه در زمره نا آگاهان بوده، نگاهی به عمق نداشته، فقط به سطح مسايل، ديد گذرا و عوامانه مي اندازند.

در اين صورت قطعي به نظر مي رسد که چنين افراد و اشخاصي از وجود اوضاع فعلي ايران چه در داخل و چه در خارج نگران باشند.

اما مطالعه وضعيت سي و سه سال گذشته ايران و دشمنان منطقه اي و بين المللي آن به ويژه آمريکا و انگليس، نشان مي دهد که اوضاع برعکس بوده و ايران اسلامي به مراتب قوي تر از سي و سه سال پيش است و دشمنان آن، به مراتب ضعيف از قبل بوده و اکنون اين ايران اسلامي است که در بهترين وضعيت ممکن قرار دارد.

براي بررسي اين حقيقت، فقط کافي است که نگاهی هرچند گذرا به وضعيت داخلي ايران و قدرت تاثيرگذاري انقلاب اسلامي آن درمنطقه جهان و اوضاع عمومي دشمنان ايران افکنده شود، آنگاه نتيجه اي که خواهيم گرفت همان حقيقتي است که در بالا ذکر شد.

وضعيت داخلي ايران:

الف: ضعف ايران و قدرت دشمنان در دهه اول انقلاب

مقايسه دهه اول ايران پس از پيروي انقلاب اسلامي با دهه چهارم، به خوبي اين حقيقت را آشکار مي سازد که ايران کنوني یک صدم مشکلات دهه اول پس از پيروي را ندارد. چه اينکه جمهوري اسلامي ايران

در دهه اول، علاوه بر اینکه نظامی نو پا بود و حاکمیت هنوز از استقرار و استحکام لازم برخوردار نبود و نیز انقلابیون از تجربیات خوبی بهره نداشتند و جریان‌ها، احزاب و گروه‌های غیر اسلامی هم در صفوف انقلابیون مسلمان از حضور برجسته‌ای برخوردار بودند، و خود خطری مهم برای نظام اسلامی محسوب می‌شدند، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه خود را شاهد بود.

در این نبرد، تنها عراق نبود که علیه ایران وارد جنگ شده بود، بلکه تمام قدرتهای شرقی و غربی با تمام سازو برگ نظامی، سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای، در کنار عراق و علیه ایران حضور داشتند.

نا امنی‌های داخلی، ترورهای کور شخصیت‌ها و حتی دست‌اندرکاران اصلی نظام چون اعضای حزب جمهوری اسلامی، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله مفتح، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، شهید هاشمی‌نژاد و ده‌ها وصدها تن از نیروهای انقلابی و حتی مردم عادی، تجربه دیگری بود که ایرانی‌ها در دهه اول پشت سر گذاردند.

غائله کردستان، ناآرامی‌های اقوام و طوایف مرزی و تحرکات تخریب‌گرانه گروهک‌های فداییان خلق و کومله و... از دیگر مشکلات پیش‌روی نظام اسلامی در دهه اول پیروزی انقلاب بود.

کودتای نوزه، عملیات آمریکایی‌ها علیه پایتخت کشور که در صحرای طبس با امداد غیبی مواجه گردید و به شکست مفتضحانه روبرو شد، هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافربری ایران برفراز خلیج فارس توسط ناو جنگی آمریکایی، تحریم‌های پیاپی ایران از سوی کشورهای غربی به ویژه آمریکا که تاکنون نیز ادامه دارد از دیگر معضلات نظام اسلامی بود.

موارد یاد شده نمونه‌های بسیار کوچک مشکلات و معضلات گریبان‌گیر جمهوری اسلامی ایران در آن دوره بود و بدین ترتیب، دیده می‌شود که ایران، در دهه اول پس از پیروزی، در چه موقعیتی قرار داشت.

اما از آن طرف، دشمنان نظام در نهایت قوت و قدرت قرارداشته و از هرگونه امکانات اقتصادی، نظامی، سیاسی و رسانه‌ای و از حکومت‌های چندین دهه‌ای ظاهراً باثبات نیز برخوردار بوده‌اند. ولی با آن هم نه تنها کوچکترین انحرافی در مسیر روبه‌پیشرفت انقلاب وارد نتوانستند که خود، روز به روز با شکست مفتضحانه مواجه گردیدند.

ب: اقتدار ایران و ضعف دشمنان در دهه چهارم انقلاب

اما امروز جمهوری اسلامی ایران با سپری شدن سی و سه سال از عمر آن، استقرار و استحکام بیش از پیش پیدا نموده، انقلابیون و دست اندرکاران آن از تجربه کافی حکومت داری و مدیریت کلان جامعه بهره مند شده، نه تنها بسیاری از مشکلات دهه اول را ندارد که با استفاده از تضییقات اقتصادی ناشی از تحریم ها، به پیشرفت های خارق العاده ای هم دست یافته است.

ایران اسلامی از نظر سیاسی، امروزه در سطح بالایی از فعالیت و حضور در داخل و خارج قرار دارد و با فاصله گرفتن از حالت انفعال، سیاست فعال و تهاجمی را در پیش گرفته و از روابط گسترده دیپلماتیک برخوردار است و از برکات این روند است که ایران، دوستان زیادی در سطح جهان دست و پا نموده، به نحوی که امروزه حضور ایران در کشورهای آمریکای لاتین - یعنی حیط خلوت آمریکا - گویای همین سیاست فعال و پویاست.

در بعد اقتصادی نیز ایران سیر خودکفایی را به سرعت طی نموده و می رود که وابستگی های اندک باقی مانده را نیز پشت سر بگذراند.

از نظر نظامی، نه تنها در منطقه که در سطح دنیا، حرف بسیاری برای گفتن دارد و هم اکنون این کشور در تولید برخی محصولات نظامی در جمع چند کشور برتر و محدود دنیا قرار دارد. ایران در صنعت هوا فضا پیشرفت حیرت انگیزی داشته به گونه ای که تنها کشور اسلامی است که بارها به فضا ماهواره فرستاده است و در صنعت و تکنولوژی و به ویژه در زمینه نانو تکنولوژی و ... نیز رشد چشمگیری داشته است.

ترقی و ورود جمهوری اسلامی ایران به عرصه انرژی هسته ای هم که حاجت به گفتن و نوشتن ندارد، چرا که دنیا را به حیرت و شگفتی واداشته است،

در فنون سدسازی، راه و ساختمان و شهرسازی نیز ایران دست بالایی پیدا نموده است، اما از همه این دستاوردها مهمتر، نیروی نظامی قدرتمند ایران در قالب سپاه، ارتش و بسیج مردمی و ایجاد کادر مدیریتی نیرومند در صحنه های اداره کلان کشور، چه از قشر دانشگاهی و چه از طلاب و علمای حوزه علمیه است که ایران اسلامی را از این نظر، به یک قدرت جهانی تبدیل نموده است.

این در حالی است که حضور مردم هم در صحنه های حمایت از این نظام، بیش از گذشته به نظر می رسد، که

به عنوان مثال می توان از حضور پرشور مردم ایران در تظاهرات نهم جدي سال 88 در شهرهاي مختلف ایران و به ویژه در تهران نام برد، تظاهراتي که در آن، جمعيتي چند ده ميليوني به خيابان ها ريختند به گونه اي که حتي از فضاي مشرف بر شهر ها از طريق بالگردها، در پهنا لنز دوربین هاي قوي هوايي نیز نمی گنجیدند و زبان نیز از شمارش و تعريف آن قاصر است.

پس نتیجه اینکه ایران اسلامي نه تنها مشکلات گذشته را در مقابل خود ندارد که در همه عرصه ها، قدرتمندتر از همیشه بوده و در محوریت همه این توانمندی ها، وجود و حضور خدای متعال و توجه ائمه معصومین(ع) نیز کاملاً محسوس و مشهود است.

در این میان و با وجود همه موارد و معیارهاي ذکر شده، رهبري قدرتمند، مدیر، مدیر، حکیم و توانا در راس هرم همه مجموعه ها و تشکلات مردمی، سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار دارد، که روند روبه پیشرفت این کشور را چند و چندین برابر ساخته است.

قدرت یافتن نظام اسلامي در ایران درحالي است که دشمنان ایران، آن اقتدار دهه اول انقلاب را ندارند. بلوک شرق به زباله دان تاریخ افکنده شد و حتي بازمانده هاي آن در روسیه نه تنها سرستیز و مخالفتي با ایران ندارند که گاه و بیگاه، هم نظر و هم خط با جمهوری اسلامي می گردند، حکومت سیاه طالبان که همواره مزاحمتهايي علیه ایران اسلامي داشت به دست پدیدآوردگان شان ساقط گردید، صدام حسین همراه با همه سواره و پیاده نظام خود به تاریخ پیوست، حکومت سکولار و ضد دین و وابسته به غرب و اسراییل تونس سرنگون شد، بزرگترین پایگاه غرب در مصر با سرنگون شدن حسني مبارک از دست رفت، دیکتاتور یمن فرار کرد و سایر دیکتاتورهاي منطقه هم که وابستگی صددرد به غرب داشتند، درحال سرنگون شدن می باشند و علاوه بر اینها، خود کشورهای غربي نیز با مشکلات عدیده اي گرفتارند.

اعتراضات ميليوني مردمی علیه حکام مستبد آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای اروپايي، وجود فشارهاي اقتصادي در حد ورشکستگی بسياري از بنگاه هاي اقتصادي دولتي و خصوصي این کشور ها، بحران هاي مالي پی در پی، احتمال فروپاشي حوزه يورو و همه و همه، دشمنان جمهوری اسلامي ایران را در نهایت ضعف قرار داده است.

وضعیت خارجي ایران:

وضعیت ایران را در خارج از این کشور از چند زاویه می توان مورد بررسی قرارداد:

الف: انقلاب اسلامی و تاثیرگذاری عمومی

انقلاب اسلامی از بدو پیروزی، تاثیرات شگرفی در سطح دنیا گذاشت، به گونه ای که افکار عامه جهانی را تحت تاثیر قرارداد و تحولات بسیار بنیادینی در اندیشه های بشری ایجاد کرد. انقلاب اسلامی، معادله زندگی نوینی فرا روی انسان ها قرارداد، به گونه ای که علامتهای سؤال بسیار جدی در پیش روی آحاد جوامع انسانی و حتی غیرمسلمانان گذاشت به گونه ای که علاوه بر ایجاد جرأت و جسارت در میان توده های مختلف جهان جهت ابراز وجود و انعکاس خواسته های برحق خود علیه حاکمان استبداد پیشه، زمینه توجه دسته های بزرگی را به سوی اسلام فراهم نمود و کار به جایی رسید که مساجد و مراکز اسلامی در کشورهای غربی، شاهد حضور افراد و گروه های متعددی گردیدند که متقاضی گرویدن به دین اسلام می شدند.

ب: انقلاب اسلامی و احیای اسلام

انقلاب اسلامی ایران که با "ید" مسیحایی امام روح الله الموسوی الخمینی "ره" هدایت و رهبری می شد و با قدرت شگفت انگیزی به پیروزی رسید، اسلام را دگر باره احیا کرد و توده های مسلمان را متوجه روند جدید زندگی نمود، به نحوی که مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی، درک کردند که آنچه از عمرشان گذشته، در پی تبلیغات مسموم دشمن و یا در اثر غفلت و ناپاوری از توان دین جهت رهبری جامعه، کاملاً بی حال و بی خیال سپری شده و تحت سلطه بیگانگان، زندگی اسارت باری داشته اند، لذا با تاسی به حرکت امام خمینی "ره" موج و خروش عجیبی در میان توده های مسلمان در بسیاری از کشورهای اسلامی ایجاد گردید، و اگر چه در بسا مواقع و در برخی از کشورها، این درک و احساس به زودی رونما نگردید و تبارز علنی و فوری نداشت، اما از جنب و جوش و تحرک زایدالوصف مسلمانها در میادین مختلف کاملاً محسوس بود که انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی "ره" تاثیر به سزایی روی روحیه و افکار امت اسلامی گذاشته است.

ج: انقلاب اسلامی و ایجاد نهضت های اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به طور مستقیم اثرات عمیقی روی افکار اسلامی مسلمانان جهان گذاشت، به گونه ای که تحت رهبری های داهیا نه امام خمینی "ره" جبهه و حزب مبارزاتی تشکیل دادند.

مردم مسلمان افغانستان، دقیقاً متأثر از این انقلاب و پیوسته با آن، در صحنه حضور یافتند و تا جایی که در میادین نبرد، با شعار ولایت فقیه و رهبری امام خمینی "ره" به پیش می تاختند. در عراق، گروه های مختلف اسلامی مرتبط با انقلاب اسلامی ایران تاسیس گردیدند که در برابر حکومت صدام حسین می جنگیدند. در فلسطین، مردم این سامان روح تازه در کالبد مبارزه خود دمیده و با الهام از اندیشه های امام خمینی "ره" خود را سازمان دادند و در برابر اسرائیل قد بر افراشتند. در لبنان، جوانان شیعه لبنانی چنان تحت تاثیر اندیشه های امام خمینی "ره" قرار گرفتند که تاب و توان دشمن آن آب و خاک و بلکه دشمنان اسلام را گرفتند و پس از تاسیس حزب الله قهرمان، چندی نگذشت که نه تنها لبنان را به ثبات و آرامش رساندند که بخشهای زیادی از خاک اشغالی خود را از زیر سلطه اسرائیل آزاد نمودند.

نهضت های اسلامی در افغانستان، عراق، فلسطین و لبنان چنان ضربات سهمگینی بر پیکره دشمن وارد کردند که رفته رفته باعث به وجود آمدن افتخارات عظیمی به نفع اسلام گردید.

در افغانستان، شوروی شکست خورد و زمام امور به دست مجاهد مردانی افتاد که با افکار و اندیشه های رهبری نظام اسلامی ایران هماهنگ بودند.

در عراق، صدام اعدام شد و مخالفین او و موافقین نظام اسلامی، بر صندلی قدرت تکیه زدند. لبنانی ها، در ادامه پیروزی های پی در پی خود، در جنگ 33 روزه، پوزه استکبار و استعمار را به خاک مذلت مالیدند و افتخار بزرگی نصیب جهان اسلام نمودند. فلسطینی ها با محوریت سازمان های اسلامی به ویژه حماس و جهاد اسلامی، افتخارات پیاپی برای اسلام و مسلمان ها کسب کردند تا جایی که در جنگ 22 روزه ثابت نمودند که قدرت اسرائیل و حامیان آن پوشالی بوده و صرفاً با هدف ارعاب مسلمین، بزرگ جلوه داده شده است.

از سوی دیگر دیده می شود که دشمنان جمهوری اسلامی ایران، هم اکنون در باتلاق افغانستان در حال فرورفتن اند. از عراق زیوانه خارج شدند و در فلسطین و لبنان هم نه تنها توان ضربه زدن به نهضت مقاومت را ندارند که مرتب، از سرینجه های جمهوری اسلامی ایران سیلی های جانانه میخورند.

بيداری اسلامي که از یکسال بدینسو کشورهای عربي را فراگرفته است، از پیامدهای سه مورد فوق الذکر و ثمره حضور و ادامه حیات قدرتمندانه نظام جمهوری اسلامي ایران تحت رهبري های داهیانه حضرت امام خامنه ای است. . اگرچه ممکن است برخی از افراد مغرض، این خیزش عظیم مردمی در کشورهای عربي را ناشی از عوامل دیگری القا نمایند، اما نگارنده وقتی با رهبران پیر و جوان این نهضت ها در تهران، یا سوریه و لبنان، ملاقات و ارتباط داشته، دیده است این افراد به صراحت ابراز می دارند که از انقلاب امام خمینی"ره" الهام گرفته اند و اکنون به تاسی از فرامین حضرت امام خامنه ای "زیدعزه الشریف" حرکت کرده اند و نیز اخبار و گزارش های رسانه ای از کشورهای انقلاب کرده و یادرحال خیزش، ثابت می سازد که حرکت ها، اسلامي بوده و سر منشا این بيداري هم، انقلاب عظیم اسلامي در کشور ایران می باشد.

در پی به وجود آمدن همین بيداري است که نه تنها غرب، برخی از حامیان و عوامل منطقه ای خود را از دست داده که در حال ازدست دادن باقی عوامل مزدور خود نیز می باشد و این دقیقا به معنای تضعیف جبهه استکبار و استعمار در منطقه و جهان و پذیرفتن شکست سردمداران آن به ویژه آمریکا و انگلیس، است.

هم اکنون این بيداري نه فقط کشورهای اسلامي را فراگرفته که تاثیرات خود را بر جوامع عربي نیز گذاشته و موجبات اعتراضات آنان را نیز فرآهم آورده است

نتیجه:

بدینترتیب با یک مطالعه سرانگشتی اوضاع داخلی و خارجی ایران از یکطرف و شرایط مختلف دشمنان نظام اسلامي در دنیا از طرف دیگر، روشن می شود که جمهوری اسلامي ایران در اوج قدرت بوده، اما دشمنان آن در حقیقت ذلت اند و از این رو، دشمنان نه تنها نمی توانند کوچکترین خطری متوجه جمهوری اسلامي ایران کنند که در آینده نه چندان دور، دست گدایی تقاضای ارتباط و دوستی به طرف جمهوری اسلامي ایران دراز خواهند کرد.

در این مجال، شاید این سؤال پیش بیاید که پس چرا عربي ها در تلاش هستند تا علیه ایران هیاهو ایجاد کرده و با شاخ و شان کشیدن، تلاش کنند در اطراف ایران جابجا شوند، و از سوی دیگر، هواپیماهای جاسوسی به فضای هوایی ایران فرستاده و با تمام قدرت رسانه ای به جان جمهوری اسلامي ایران و سوریه

به عنوان کشور متحد ایران افتاده اند؟ به گونه ای که این ذهنیت را برای عده ای بی خبر از اوضاع پدید آورده که ممکن است امروز یا فردا، کار سوریه تمام شده و آنگاه نوبت به جمهوری اسلامی ایران برسد.

پاسخ این سؤال خیلی آسان و راحت به نظر می رسد و آن اینکه: وجود یک چنین شرایطی در جبهه غربی ها علیه ایران، ناشی از دستپاچگی و ترس آن ها از فروپاشی زود هنگام خودشان است.

چرا که امام خمینی "ره" با راه اندازی جنگ نرم علیه استکبار، خواب راحت را از چشمان آن ها ربود و آنها هستند که پی در پی سنگر از دست می دهند و از همین رو، از یکسو با شاخ و شانه نشان دادن و از سوی دیگر آن را در بوق و کرنا کردن از طریق رسانه ها، تلاش دارند فضای رعب و وحشت علیه مسلمان ها و به ویژه جمهوری اسلامی ایران ایجادکنند تا از این طریق، اگر نمی توانند مسلمان ها را وادار به عقب نشینی کنند، حداقل مواجهه به توقف نموده و نگذارند از این بیشتر تمام هست و بود آنها را در معرض خطر و نابودی قرار دهند.

غربی ها اگر عملاً می توانستند کاری بکنند، می کردند. چنانچه با به راه اندازی جنگ عراق علیه ایران، این قصد خود را عینیت بخشیدند و یا با سازماندهی کودتای نوزه و یا ترتیب دادن عملیات صحرای طبرس و حمایت از گروه های تروریستی مانند منافقین خلق و سپس انفجار ساختمان حزب جمهوری و همچنان نخست وزیری ایران و ده ها و صدها عمل دیگر، نیات خود را به منصفه ظهور رساندند، اما نتوانستند به هدف نهایی خود یعنی براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی برسند، و اکنون به کلی درمانده گردیده و مسلماً در شرایط موجود، شواهد و قرائن نشان می دهد که عمر استکبار به پایان راه رسیده و زمان اقتدار ملت های مسلمان و آزاده فرا آمده است و به طور واضح و آشکار، جمهوری اسلامی ایران به رهبری ولی فقیه زمان، حضرت امام خامنه ای "زیدعزه الشریف" در مرکز این حرکت عظیم استکبار ستیزی و ویران کننده کاخ ظلم و استبداد و فراهم شدن زمینه ظهور حضرت امام زمان (عج) و حکومت جهانی امام غایب، قرار خواهد داشت.

به امید آن روز